

حافظ
سر فرا گوش من آورد به آواز حزین
گفت: ای عاشق در برینه من، خوابت هست؟

صفحه ۱ از ۱

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سردبیر: دانیال معمار
مدیر تحریریه: مهدی علیپور
معاونان سردبیر: شروان فرهنگ، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
مدیر عکس: امیر پناهپور

ایرانشهر: مدیر: زهرا عباسی
تدوین: مدیر: سعید محمدی
مدیر: مریم سرخوش
سرخ: مدیر: جواد عزیزی
مدیر: محمد جعفری
دانشگاه: مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا خلجی
سرزمین من: مدیر: محمد باریکانی

فرهنگ شهر: مدیر: زهرا عباسی
گزارش: مدیر: سعید محمدی
۳۴ (سیمای تلویزیون): مدیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر: مدیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک: مدیر: محمد علی حلیمی

یادداشت

درباره بی رحم ترین معلم



حامد فوقانی

مدتی می شود که به زمان، بیشتر از خیلی چیزهای دیگر فکر می کنم. هر زمان ذهنم از روزمرگی ها خلاصی می گیرد، هر زمان، پشت ترافیک در انتظار به سر می برم، هر زمان که در فراغت زمان کمی برام کندتر می گذرد، به زمان فکر می کنم. چند

روز پیش وسط همین درگیری های زمانی، یکباره موضوعی فکرم را مشغول کرد. اینکه یک انسان در عصر حاضر به طور معمول می تواند حدود ۸۰ سال عمر کند و در این سال ها، نوزادی، نوبایی، خردسالی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری را پشت سر می گذارد. حالا اگر همین فرایند را فقط در ۸۰ سال طی کند و میانگین عمر انسان ها حدود همین ۸۰ سال باشد چه می شود؟ آیا سرعت در زندگی ما بالاتر می رود؟ یا همین حسی را خواهیم داشت که اکنون همه مان داریم؟ اصلا چرا ۸۰ سال زودتر می گذرد و ۸۰ سال دیرتر؟ اصلا چرا انسان امروزی به طور میانگین همین مقدار (۸۰ سال) عمر می کند؟ چرا ۸۰ سال عمرش نیست و فرایندهای نوزادی تا پیری کندتر طی نمی شود؟ یعنی اگر ۸۰ سال عمر می کردیم فرصت مان کمتر بود یا اگر ۸۰۰ سال عمر مان بود فرصت مان بیشتر؟ مثلا در فرض ۸۰ سال عمر، اشتباهات کمتری مرتکب می شدیم و در عوض، فرصت چندانی برای جبران اشتباهات نداشتیم؟ بر فرض ۸۰۰ سالگی چطور؟ آن موقع، خیلی زمان داشتیم تا بی به حقایق بیشتری ببریم و زمان خودشناسی مان بسیار فراتر از اکنون بود؟

هر چه ذهنم جلوتر می رفت سوالات هم بیشتر می شد؛ سوال پشت سوال. تا آنجا که یکبار، یاد فیلم «میان ستارهای» (interstellar) افتادم؛ اگر کریستوفر نولان مثل بسیاری از فیلم های فضایی دیگر، زمان را به چالش نمی کشید قطعا فیلمش برنده اسکار نمی شد. فیلم سراسر فلسفه است و سکانس های شاهکار درباره زمان کم ندارد؛ مثل آنجا که آنها هنگام سفر به سیاره های واقع در کرم چاله، متوجه می شوند هر یک ساعت آنجا معادل ۷ سال روی زمین است.

زمان هنوز برای بشر پیچیدگی های فراوانی دارد و آنچه انسان برای کمک حال همگان، به آن افزوده، فقط قول و قرارهایی به واسطه چرخش زمین حول خودش و دور خورشید و در میان بودن قمر ماه بوده است. زمان هنوز ذهن من را در گیر کرده و این درگیری، زمان زیادی را از من گرفته است. معلمی داشتیم که زمان را اینگونه معنا می کرد: «بی رحم ترین معلم؛ چون اول آزمون می گیرد و بعد درس می دهد.» اکنون به خودم می گویم اصلا چه فرقی می کند که میانگین عمر یک انسان ۸۰ سال باشد، ۸۰۰ سال یا ۸۰۰۰ سال؟ زمان در ۸۰۰ سال هم به سرعت ۸۰ سال می گذرد؛ اگر بخواهیم گام های درست برداریم ۸۰ سال کافی است و اگر فرصت را قدر ندانیم، ۸۰۰ سال هم اندک خواهد بود.

گرمی نوچ

اخراج از المپیک به خاطر اینستاگرام



کاروان های ورزشی حاضر در المپیک، قوانین سخت و سستی دارند و با هیچ کس هم شوخی ندارند؛ حتی اگر خاطیان، قهرمانان ملی باشند. نمونه اش خانم «انا کارولینا ویرا» که به خاطر گردش در پاریس و انتشار عکس در اینستاگرام، از المپیک اخراج شد. این خانم که عضو تیم شای برزیل است، با وجود دستورهای سخت و سخت، دهکده المپیک را در پاریس ترک کرده و به همراه ۲ دوست خود، به گردش در شهر پرداخته بودند. بدتر از آن، عکس هایی هم از این گردش در اینستاگرام منتشر کرد. مربیان تیم هم این قانون شکنی را تحمل نکردند و او را اخراج کردند و به هم تیمی اش که از رفتار خود صراحتا غر خواهد کرده بود، اخطار جدی دادند. خانم ویرا، در دور اول بازی ها برای کشورش شنا کرده بود اما به خاطر این رفتار نامناسب، به خانه فرستاده شد. مربیان تیم شای المپیک برزیل گفته بود که این خانم، علاوه بر خروج درزگی از دهکده المپیک، تصمیم های فنی مربیان را هم نقض کرده و پرونده اش حساسی سنگین بود. گوستاوو اتسوا، سرمربی تیم ملی برزیل درباره اخراج این خانم گفته است: «ما برای بازی کردن و تعطیلات به اینجا نیامده ایم. ما برای برزیل کار می کنیم. برای ۲۰۰ میلیون مالیات دهنده های که برای ما کار می کنند، ما نمی توانیم اینجا بچرخیم.»

خانه ارواح

عکس های تکان دهنده از مکان های متروکه در سراسر دنیا



این معبد جنگلی در گامبوج، روزگاری خانه وانران بی شمار بوده، اما حالا در سکوت جنگل فراموش شده است.

- ۱. پارکینگ یک خودرو سازی در چین، بعد از اینکه این شرکت ورشکسته شد، خانه هزاران خودرو است که دست نخورده همان جا نمانده اند.
- ۲. روزگاری این مهمانخانه اشرافی در مر بلند آمریکا رونق و پروری بیایی داشته، اما حالا تنها شیبی از آن روزگار در آن باقی مانده است.
- ۳. این اتاق جراحی در بیمارستان نظامی در بلیس آلمان، سال ها است دست نخورده باقی مانده است.
- ۴. یک قلعه دوران قرون وسطی، به خودی خود ترسناک و وهم انگیز است، چه برسد به اینکه مثل این قلعه ایرلندی، خانه خز و گیاه شده باشد.
- ۵. این سالن نمایش در نیو بدفور، در سال ۱۹۱۲ افتتاح و در سال ۱۹۵۹ تعطیل شد.
- ۶. این برج های نیروی در بای انگلیس، مدت ها است که خالی اند و کسی نمی داند داخل آنها چه خبر است.
- ۷. این معبد جنگلی در گامبوج، روزگاری خانه وانران بی شمار بوده، اما حالا در سکوت جنگل فراموش شده است.

عکس روز در راه کربلا



کاروان پیاده روی عشاق الحسین رامشیر، به خوزستان رسیده و قرار است به عراق برود تا از آنجا، خود را برای اربعین به کربلا برسانند. عکس ها: مهر

کشف آب معدنی قرن نوزدهم



دانشگاهی، یافته های این گروه غواصی را به شکلی علمی بررسی کردند تا از شکل زندگی مردمان آن روزگار، اطلاعات دقیق تری در اختیار علاقه مندان قرار دهند.

این روزها تیم غواصی سیدروس طباطبایی بود... این روزها تیم غواصی «توماس استاکورا» رهبر این تیم غواصی، گفته که ۴۰ سال است غواصی می کند و گاهی توانسته یک یا ۲ بطری در ته دریاها و اقیانوس ها پیدا کند، اما حالا به خود جلب کرده است؛ پیش از ۱۰۰ بطری آب معدنی و نوشیدنی های گوناگون که بررسی آنها، شکل زندگی انسان های آن روزگار را برای دانشمندان مشخص تر می کند. «توماس استاکورا» رهبر این تیم غواصی، گفته که ۴۰ سال است غواصی می کند و گاهی توانسته یک یا ۲ بطری در ته دریاها و اقیانوس ها پیدا کند، اما حالا به خود جلب کرده است؛ پیش از ۱۰۰ بطری آب معدنی و نوشیدنی های گوناگون که بررسی آنها، شکل زندگی انسان های آن روزگار را برای دانشمندان مشخص تر می کند. او معتقد است کشف آنها کاملا تصادفی بوده؛ چون سال ها است غواصان در این منطقه، به دنبال کشتی های غرق شده در کف دریا بوده اند؛ اما تا حالا این کشتی با محموله ارزشمندش را پیدا نکرده بودند. برخی بطری های آب معدنی کشف شده، سفالی و مهر و موم شده است و روی آن، آرم معروف شرکت

خوش خیر

سلانسر؛ تابلوی خنکی بخش



در این روزهای گرم تابستان، فکر کردن به بیلاق هم حس خنکی به ما می بخشد؛ به خصوص که بدانی تنها ۲ تا ۴ ساعت با آنجا فاصله داری. اگر فرصتی داشته باشی و حوصله به خرج دهی، می توانی به اندازه ۳۰۰ کیلومتر از تهران، فاصله بگیری و ۷۰ کیلومتر مانده به رشت، قبل از رودبار، از جاده اصلی خارج شوی و وای! حالا شاید باور تان نشود که در این گرمای تابستان، خنکی طبیعت، برایتان آغوش می گشاید و شما را به طرف بیلاق سلانسر دعوت می کند. اینجا چشم اندازهای بی نظیری از قله در فک، شهر رستم آباد و روستاهای اطراف، چون تابلویی زیبا چشم های شما را می نواز.

دست در دست هم در برابر گامی



اینجا بندری در استان فوجیان چین است؛ جایی در جنوب شرقی این کشور بنامور و این روزها، بوی توفان، حتی قایق های ماهیگیری را هم ترسانده است؛ آنقدر که قایق، دست در دست هم، در کنار هم ایستاده اند به امید اینکه موج های سهمگین توفان، آنها را از جان کنند و خوابشان را بر هم نزنند. توفان «گامی»، پیش از ایسن در تایوان و فیلیپین خسارتی بر جای گذاشته و اهالی این بندر، خودشان را برای رسیدن گامی، آماده می کنند. این تصویر را روز دوشنبه، هشتم مرداد، یک هواپیمای بدون سرنشین، از زاویه بالا شکار کرده است.